

## واکاوی خمسه‌های فلزی:

### تجلی نمادین هنر و مذهب در دوره صفوی

فرزانه واحد دهکردی<sup>۱</sup> / زهرا فنایی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

10.22034/shistu.2026.2061767.2533

#### چکیده

دوره صفویه در ایران، نه تنها از منظر تحولات سیاسی و مذهبی، بلکه از جنبه‌های فرهنگی و هنری نیز از جایگاهی ممتاز برخوردار است. تفکرات رایج در عصر صفوی منجر به خلق آثاری شده که بررسی وجوه نمادین آنها ضمن شناسایی مضامین نهفته، به درک معنای عمیق‌تر آثار و ارتباط آنها با باورهای مرسوم در فرهنگ جامعه منجر خواهد شد. در میان دستاوردهای هنری این دوره، خلق آثار فلزی با مضامین مذهبی، به ویژه «خمسه‌های فلزی»، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این آثار نه تنها تجلیگاه هنر ظریف و پیچیده فلزکاری صفوی به شمار می‌روند، بلکه نمادی از تلفیق عمیق هنر و مذهب در این عصر محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر به هدف «واکاوی خمسه‌های فلزی دوره صفوی: نماد هنر و مذهب در عصر طلایی فلزکاری ایران» به روش «توصیفی - تحلیلی» و با رویکرد کیفی انجام شده و برای جمع‌آوری اطلاعات، از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که خمسه‌های فلزی دوره صفوی از نظر ساختار و کارکرد چگونه بازتاب‌دهنده فرهنگ، هنر و باورهای مذهبی - فرهنگی این دوره هستند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد خمسه‌های فلزی دوره صفوی که از شاهکارهای هنری این دوران هستند، نشان‌دهنده پیوند عمیق هنر، مذهب و فرهنگ بوده و کاربردهای متنوعی داشته‌اند. این اشیا، هم در مراسم مذهبی (مانند عزاداری‌های محرم و زیارت) استفاده می‌شده، و هم به عنوان مهر، جواهرات یا طلسم‌های محافظتی در زندگی روزمره به کار می‌رفته‌اند. از نظر محتوایی، این آثار بازتاب‌دهنده باورهای مذهبی و فرهنگی عصر صفوی بوده‌اند و با مضامین شیعی (مانند نام پنج تن آل‌عبا<sup>علیهم‌السلام</sup> و دوازده امام<sup>علیهم‌السلام</sup>) به تبلیغ تشیع می‌پرداخته‌اند و از طریق آیات قرآنی، ادعیه و اسماء الحسنی در کنار عقاید عامیانه به عدد پنج و شکل دست، تداوم فرهنگ ایرانی در چارچوب اسلامی را نمایش می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: خمسه فلزی، فلزکاری، صفویه، مضامین شیعی.

۱. استادیار گروه هنر دانشگاه آزاد اسلامی قم، (نویسنده اول و مسئول) / Farzane.Vahed@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه هنر مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی نجف‌آباد / z.fanaie@iaun.ac.ir

## مقدمه

هنر و فرهنگ یک ملت را اعتقادات، باورها و نوع نگرش آنها به جهان پیرامون شکل می‌دهد و این آیین‌ها و اعتقادات همواره به‌مثابه جلوه‌ای از فرهنگ و اصالت یک قوم در آثار هنری و نقوش آنها بروز کرده است. بنابراین می‌توان آثار هنری را بهترین وسیله برای بیان و القای اندیشه انسان هنرمند دانست.

دوره صفوی (۱۵۰۱-۱۷۳۶م) به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخ ایران، نه‌تنها از منظر تحولات سیاسی و مذهبی، بلکه از جنبه‌های فرهنگی و هنری نیز از جایگاهی ممتاز برخوردار است. این عصر که به‌حق می‌توان آن را «عصر طلایی هنر و معماری ایران» نامید، شاهد شکوفایی بی‌نظیر هنرهای همچون نگارگری، خوش‌نویسی، معماری و فلزکاری بود.

هنر فلزکاری صفویه یکی از مهم‌ترین رسانه‌ها برای شناسایی فرهنگ و هنر عصر صفوی به‌شمار می‌آید. در این میان خمسه‌های فلزی، از شاخص‌ترین دستاوردهای هنری این دوران، از ابعاد گوناگون قابل بررسی و تحلیل هستند؛ از یک سو، این آثار گواهی بر مهارت و خلاقیت هنرمندان فلزکار صفوی است و با به‌کارگیری فنون پیچیده‌ای همچون قلم‌زنی، حکاکی و طلاکوبی، آثاری ماندگار و بی‌همتا خلق کرد. از سوی دیگر، این آثار با بهره‌گیری از مضامین مذهبی و ملی، به‌مثابه ابزاری کارآمد در تبلیغ و ترویج مذهب تشیع در جامعه آن دوران عمل می‌کرد.

به بیان دیگر، خمسه‌های فلزی صفوی افزون بر ارزش هنری، نمادی از هویت مذهبی و فرهنگی ایران در این دوره به‌شمار می‌آید. هنرمندان فلزکار این عصر آثاری پدید آوردند که نه‌تنها به‌عنوان اشیای تزئینی، بلکه به‌مثابه نمادهایی از هنر و مذهب مورد استفاده قرار می‌گرفتند. فلزکاران عصر صفوی با الهام از دو اصل «تشیع» و «ملی‌گرایی» که در تمام لایه‌های اجتماعی راه یافته، کار کرده و از این اصول در آثار خود بهره گرفته‌اند. در واقع یکی از بارزترین ویژگی‌های خمسه‌های فلزی دوره صفوی استفاده از نمادها و تصاویر مذهبی است که بازتابی از باورهای شیعی در این دوره به‌شمار می‌رود.

در این آثار، تصاویری از امامان شیعه علیهم‌السلام، به‌ویژه امیرالمؤمنین علیه‌السلام و دیگر شخصیت‌های مقدس، همراه با آیات قرآنی و ادعیه به چشم می‌خورد. این نمادها نه تنها بیانگر اعتقادات مذهبی هنرمندان و سفارش‌دهندگان این آثار بوده، بلکه به‌مثابه ابزاری مؤثر در تبلیغ مذهب تشیع در جامعه نیز ایفای نقش می‌کرده است. بدین‌روی خمسه‌های فلزی صفوی با تکیه بر این نمادها، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی و مذهبی این دوره تبدیل شد.

افزون بر جنبه‌های مذهبی، این آثار از منظر هنری نیز حایز اهمیت فراوان است. هنرمندان فلزکار این دوره با به‌کارگیری فنون پیشرفته‌ای همچون قلم‌زنی، حکاکی و طلاکوبی، آثاری خلق کرده‌اند که از نظر زیبایی‌شناسی و ظرافت، بی‌نظیرند. همچنین استفاده از مواد گرانبهایی همچون طلا، نقره و مس در ساخت این آثار، بر ارزش و اهمیت آنها افزوده است.

در این پژوهش، خمسه‌های فلزی دوره صفوی به‌مثابه نماد هنر و مذهب در عصر طلایی ایران بررسی شده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است: خمسه‌های فلزی دوره صفوی از نظر ساختار و کارکرد چگونه بازتاب‌دهنده فرهنگ، هنر و باورهای مذهبی این دوره هستند؟

با توجه به اهمیت خمسه‌های فلزی دوره صفوی، این پژوهش بر آن است تا با نگاهی جامع و تحلیلی، این آثار را به‌عنوان نماد هنر و مذهب در عصر طلایی ایران بررسی کند و گامی در جهت شناخت بیشتر هنر و فرهنگ دوره صفوی و نقش آن در ترویج مضامین شیعی و نمود آن در آثار هنری بردارد.

#### پیشینه

- واحد دهکردی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نمود مضامین تعویذ جام چهل‌کلید در دوره صفوی»، به بررسی مضامین تعویذی در فلزکاری صفویه، به‌ویژه جام چهل‌کلید پرداخته و دریافته که این مضامین ترکیبی از مفاهیم شیعی و باورهای عامیانه را در خود جای داده‌اند.

- جعفری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نمادشناسی نمادهای مذهبی در فلزکاری دوره صفوی»، نمادهای مذهبی در نقوش گیاهی، حیوانی و مرکب، آثار فلزی این دوره را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نمادهایی همچون بته‌جقه، شیر و طاووس در این دوره تحول معنایی یافته و علاوه بر مفاهیم ذاتی خود، بار نمادینی مرتبط با فرهنگ اسلامی و مذهب تشیع را نیز به دوش کشیده‌اند.

- عزیزی‌پور (۱۳۹۳) در مقاله «بازتاب عقاید شیعی در هنر فلزکاری ایران»، تأثیر مضامین و عناصر شیعی بر هنر فلزکاری ایران را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که نفوذ هنر شیعه، از جمله توسل به امامان علیهم‌السلام، به سبب حضور حامیان شیعی، در کتیبه‌ها و خطوط ظروف فلزی مشهود است.

- ساریخانی (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «پژوهش تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری در دوران صفوی و قاجار با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران»، به استفاده هنرمندان از آیات قرآنی در کتیبه‌نگاری آثار فلزی اشاره کرده که بیشترین ارتباط را با کاربرد آن آثار داشته‌اند.

- الله‌بخشیان (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «نمادشناسی نقش دست در طلسمات ایرانی»، با روش نمادشناسانه به مطالعه نماد «دست» در ادیان مختلف و نقش آن به عنوان طلسم پرداخته و آن را نمادی تعویذی دانسته است.

- افروغ و نوروزی‌طلب (۱۳۸۹) در مقاله «هویت اسلامی - ایرانی در فلزکاری عصر صفوی با تأکید بر کتیبه‌های موجود بر روی آثار فلزی»، محتوای آثار فلزی این دوره را با رویکرد مذهب تشیع و هویت ملی تحلیل کرده و رواج اشعار و متون فارسی با خط نستعلیق را نشانه‌ای از هویت ملی دانسته و جایگاه این هنر را در فلزکاری دوره صفوی برجسته ساخته‌اند.

پژوهش‌های پیشین گواه آن است که فلزکاری دوره صفویه از زوایای گوناگون شایسته بررسی و تأمل است. با این حال، فقدان پژوهشی جامع در تحلیل مضامین هنری، مذهبی و نمادین این آثار، به‌ویژه در پیوند با خمسه‌های فلزی، به‌وضوح مشهود است. این پژوهش بر آن است تا با پر کردن این خلأ، به واکاوی در خمسه‌های فلزی به‌مثابه تجلیگاه نمادین هنر و مذهب در آن عصر بپردازد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع «توصیفی - تحلیلی» است و با رویکرد تاریخی، ساختار، کارکرد و مضامین خمسه‌های فلزی دوره صفوی را بررسی کرده است. با توجه به ماهیت نمادین و هنری این آثار، از روش «تحلیل محتوا» برای تحلیل قالب و مضامین کتیبه‌های به‌کاررفته در خمسه‌های فلزی استفاده شده است. در همین زمینه، از میان نمونه‌های به‌دست آمده از طریق عکاسی، منابع دیجیتال و پایگاه‌های اطلاعاتی، هفت نمونه بر اساس کاربردهای متفاوت خمسه، شناسایی و به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند.

داده‌های پژوهش از دو طریق گردآوری شده‌اند: منابع کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتاب‌ها، مقالات و منابع دیجیتال مرتبط و مطالعات میدانی با تمرکز بر مشاهده و بررسی آثار موجود در موزه‌ها. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، کیفی است و تلاش شده یافته‌ها با تکیه بر مبانی نظری و شواهد عینی تفسیر شوند.

## ۱. واکاوی نمادین خمسه‌های فلزی

با ظهور صفویه و رسمیت یافتن مذهب شیعه، نوشته‌های قرآنی و نام مبارک پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام در ظروف فلزی پدیدار شد. همچنین اشیای فلزی طلسمی در پاسخ به نیاز باورهای جامعه، منقوش به ادعیه و حروف تعویذی ساخته شد. از جمله این اشیا می‌توان «خمسه» یا پنجه‌های فلزی را نام برد که در موارد متعدد با اشکال متنوع از آنها استفاده می‌شده است.

«پنجه» (پنج + های نسبت) پیکره و نقش دست از مچ تا سر پنج انگشت است که آن را از جنس برنج، ورشو، نقره یا طلا می‌سازند و همچون نماد قدرت و قداست و یا طلسم و دفع شر و بلا به‌کار می‌برند. این خمسه‌ها گاه با اشکال و یا کتیبه‌هایی با مضامین مختلف نقش شده‌اند. برای مثال:

برخی پنجه‌های فلزی، نقش دار یا کتیبه‌دار هستند. روی پنج انگشت برخی پنجه‌ها نام پنج تن، یا بر کف دست پنجه‌ها کلمه «الله» یا «ابوالفضل» علیه‌السلام را کنده یا نوشته‌اند. بر روی کف دست پنجه‌ها نیز گاه نقش چشمی را انداخته‌اند (بلوکباشی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰).

برای شناخت مفاهیم نمادین قالب و نقش خمسه‌های فلزی، شناخت نماد شکل دست و عدد «پنج» ضروری به‌نظر می‌رسد.

## ۱-۱. نماد کف دست (پنجه یا خمسه)

«دست» بیانگر مفاهیم فعالیت و در عین حال، نشانگر قدرت تملک و استیلاست. در زبان‌های خاور دور، اصطلاحاتی همچون «دست گذاشتن» یا «دست برداشتن» به معنای شروع یا ختم کار است. «دست راست خداوند» در ارتباط با رحمت، برکت و علامت تقدس است. دست راست، دست اعمال نیک است. دست انسان مرتبط با آگاهی و بصیرت است؛ زیرا دست‌ها زبانی خاص دارند (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۲۱).

به‌طور کلی، نمودار کف دست انسان با انگشتان کشیده ریشه‌ای باستانی دارد (see: Dutte, 1908). نقش پنجه در سنت اسلامی، مسیحی و یهودی به‌عنوان تعویذ و با نام‌های دست حضرت فاطمه علیها السلام، دست حضرت مریم علیها السلام، دست مریم و خمسه (همسا) وجود دارد. پیشینه کاربرد این نماد - دست کم - تا بابل قدیم و دست ایزدبانوی ایشتار و نیز تا مصر و دست الهه ایزیس پیگیری شده است. رواج چنین نمادی در دوران نوسنگی بسیاری از فرهنگ‌ها نشانگر باور غالب و مسلط ایزدبانوی مادر است که احتمالاً ریشه آن به دیرینه سنگی بازمی‌گردد.

برای دست، سه دسته معنا قایل شده‌اند: اظهار وجود و ثبت اثری از خود؛ تفسیرهایی بر اساس شکل ظاهری دست (پنج اصل دین، پنج تن و ید بیضا)؛ و نیز نشانی از شخصیتی مقدس یا نیک‌سرشت. کارکردها نیز بجز دو مورد، حاکی از حالتی جادویی و قدرتی برای دفع شر است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کاربرد تعویذی پنجه دست در منطقه مدیترانه، مصر، میان‌رودان، هند و ایران دارای سابقه است (Golan, 2003, p. 363).

در شمال قفقاز نیز تعویذهایی به شکل دست یافت شده‌اند. در مراکش، زنان در هریک از زیارتگاه‌ها پنجه‌هایی را نصب می‌کردند. در قبایل بربر، پسران حلقه‌ای به شکل پنجه به گوش راست خود می‌آویختند. در قدیم کمتر خانه یا دکانی در شهرهای مراکش یافت می‌شد که به در و دیوار آن پنجه نصب نشده باشد. «در مشرق زمین و به‌ویژه در میان جوامع مسلمانان - به‌ویژه در شمال آفریقا و سوریه و فلسطین - انواع تعویذ به شکل کف دست گشوده رواج دارد» (Westermarck, E. 1973, p. 49). همین نوع تعویذ در میان کلیمیان اروپای شرقی نیز دیده می‌شود (Judaica, 1973، ذیل «چشم شور»).

اما در میان مسلمانان پنجه فلزی یا نقش پنجه مظهر قدرت و نمادی از اولیای الهی است. در برخی از سرزمین‌های اسلامی پنجه‌ای را که معمولاً از طلا یا نقره می‌ساختند، به نام دست حضرت فاطمه علیها السلام می‌پندارند.

نماد کف دست انسان اغلب به دست حضرت فاطمه علیها السلام اشاره دارد و انگشتان تجسمی از پنج تن آل‌عبا علیهم‌السلام محسوب می‌شوند (Schimmel, 1993, pp. 115-116). این نمودار باور اسلامی اغلب به‌عنوان نماد ایمنی در برابر چشم‌زخم، همچنین تأمین نیک‌فرجامی جهت صاحب آن است (مادیسون و ساواژ اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

به‌طور کلی، نماد «پنجه» یا «دست‌پنجه» که در برخی فرهنگ‌ها با عنوان‌هایی همچون «دست فاطمه» یا «خمسه» شناخته می‌شود، از جایگاه نمادین و فرهنگی عمیقی در میان مسلمانان - به‌ویژه جوامع شیعه - برخوردار است. این نماد که غالباً به‌صورت دستی با پنج انگشت گشوده تجسم می‌یابد، در بستر فرهنگ اسلامی و به‌طور خاص در میان شیعیان، حامل معانی چندوجهی و ژرف است.

در بسیاری از جوامع اسلامی، به‌ویژه در مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا، پنجه به‌عنوان طلسمی محافظتی در برابر «چشم‌زخم» و نیروهای اهریمنی به‌کار می‌رود. باور بر این است که این نماد قادر به دفع انرژی‌های منفی و محافظت از افراد یا مکان‌ها در برابر آسیب‌ها و بلاهاست. این اعتقاد ریشه در سنت‌های کهن دارد و بازتاب آن را می‌توان در هنرهای تزئینی، جواهرسازی و حتی معماری اسلامی مشاهده کرد.

از جمله موارد کاربرد طلسمی طرح کف دست می‌توان اشاره نمود به: دو درپوش منقوش به طرح‌های طلسمی منثور به دست حضرت فاطمه که تقریباً در تمامی نواحی اسلامی به‌عنوان باطل‌سحر و برطرف‌کننده چشم‌زخم و نیروهای اهریمنی کاربرد داشته است (مادیسون و ساواژ اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵).

در برخی تفاسیر، پنجه به‌عنوان نمادی از قدرت و حمایت الهی تلقی می‌شود. این نماد گاه به‌عنوان تجسمی از دست خداوند یا نشانه‌ای از قدرت او در حراست از بندگانش تفسیر می‌گردد. در این مفهوم، پنجه یادآور این باور است که خداوند همواره حامی و نگهدارنده مؤمنان است و آنان را در برابر مصائب و سختی‌ها تحت حمایت خویش قرار می‌دهد. این

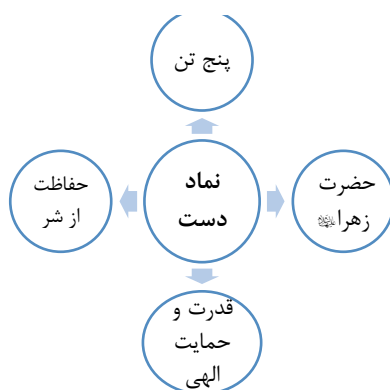
نماد با ابعاد معنوی و فرهنگی خود، نه تنها در باورهای دینی، بلکه در هنر، معماری و زندگی روزمره جوامع اسلامی، به‌ویژه شیعیان، حضوری پررنگ و تأثیرگذار دارد.

در فرهنگ شیعی، پنجه عموماً به‌عنوان تجلی «پنج تن آل عباس<sup>علیهم‌السلام</sup>» شناخته می‌شود که شامل حضرت محمد<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup>، حضرت علی<sup>علیه‌السلام</sup>، حضرت فاطمه زهرا<sup>علیها‌السلام</sup>، حضرت حسن<sup>علیه‌السلام</sup> و حضرت حسین<sup>علیه‌السلام</sup> است. این شخصیت‌های مقدس به‌عنوان ارکان بنیادین تشیع و مظهر تقوا، عدالت و شجاعت، نزد شیعیان از جایگاهی والا برخوردارند. هر یک از انگشتان دست پنجه، نمادی از یکی از این پنج تن محسوب می‌شود و نشانه‌ای از وحدت و همبستگی آنان در مسیر اسلام تلقی می‌گردد.

در برخی از جوامع شیعه، پنجه نمادی از حضرت فاطمه زهرا<sup>علیها‌السلام</sup>، دختر پیامبر اکرم<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> و همسر حضرت علی<sup>علیه‌السلام</sup>، شناخته می‌شود. از این رو، گاهی از آن با عنوان «دست فاطمه<sup>علیها‌السلام</sup>» یاد می‌شود. این نماد تجلی پاکی، تقوا و مقاومت حضرت فاطمه<sup>علیها‌السلام</sup> در برابر ستم و نابرابری تفسیر می‌گردد. در برخی روایات، بر پنجه، به‌عنوان نشانه‌ای از حمایت و شفاعت ایشان در روز قیامت نیز تأکید شده است.

نمودار (۱) موارد نمادین کف دست (پنجه یا خمسه) را در باورها و فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد (ر.ک. شریعت‌زاده، ۱۳۷۱؛ واحد دهکردی، ۱۴۰۴؛ مادیسون و ساواژ اسمیت، ۱۳۸۷).

نمودار (۱): نمادهای کف دست (پنجه یا خمسه) در باورها و فرهنگ اسلامی



## ۲-۱. نماد عدد «پنج»

در گستره فرهنگ و ادبیات، چه در حیطه دینی و چه غیر دینی ایرانی و اسلامی، عدد «پنج» همواره به‌عنوان سرچشمه‌ای مفهومی و از جمله اعداد نمادین، از جایگاهی ارزشمند برخوردار بوده است. مردمان این سرزمین برای این عدد، توان و خواصی جادویی و اثرگذار قایل بوده و آن را در گاهشماری، تقویم‌ها، زندگی روزمره و حتی حیات معنوی و دینی خود برجسته و مقدس می‌شمرده‌اند.

این عدد، همچون طلسمی نیرومند، در برابر شر و چشم‌زخم به‌کار می‌رفته و به‌عنوان افسون‌ی محافظ، جایگاهی ویژه در باورهای عامه یافته است.

در فرهنگ و ادبیات دینی و غیر دینی ایرانی - اسلامی عدد «پنج» یک منبع مفهومی و از اعداد نمادینی بوده که ارزش فرهنگی - اجتماعی داشته است. مردم برای عدد «پنج» توان و خاصیت جادویی اثرگذار می‌پنداشتند و آن را درگاهشماری مقدس می‌دانستند. پیوند عدد «پنج» با ارکان دین و احکام الهی مانند پنج ستون دین، پنج بار نماز روزانه، پنج تن آل‌عباد (بارها شنیده شده است (قاسمی اندرود، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

«پنج» عدد مرکز، هماهنگی و توازن است. بنابراین عدد ازدواج مقدس، وصلت اصل ملکوتی مادر یا اصل زمینی مادر است. همچنین نماد انسان و جهان است. «پنج» علامت تمامیت علم محسوس است. «پنج» عدد جهان حاضر است که پس از «چهار» آمده که پیش از طرح اولیه جهان خلقت بوده و مرکز تقاطع چهار جهت اصلی است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲-۲۴۷).

عدد «پنج» در فرهنگ اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به‌طور عمیقی با ارکان دین، احکام الهی و شخصیت‌های مقدس مرتبط است. این عدد نمادهایی همچون پنج ستون دین اسلام، پنج وقت نماز روزانه، و پنج رکن حج (در مذهب شافعی) را دربر می‌گیرد. همچنین این عدد به پنج پیامبر اولوالعزم (حضرات نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ) و پنج تن آل‌عبا (حضرت محمد ﷺ، علی ﷺ، فاطمه زهرا ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ) که به «خمسه طیبه» نیز معروف هستند اشاره دارد. علاوه بر این، در فرهنگ شبه قاره هند، پنج قدیس بزرگ مورد احترام هستند.<sup>۱</sup>

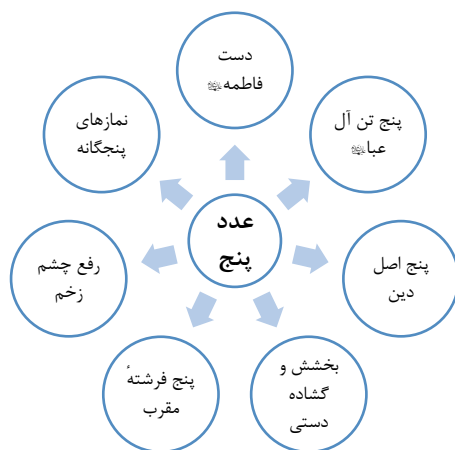
۱. بهاء‌الحق مولتانوی، رکن عالم لکهنوی، شمس تبریزی مولتانوی، مخدوم جهانیا جهانگشت اوچه و فریدالدین شکر گنج پتن.

اسلام «پنج» را عددی مبارک می‌داند و برای این عدد رجحانی قایل شده است: ستاره پنج پر، پنج حس، پنج نماز، خمس اموال، آداب حج (روزهای عرفات)، انواع روزه، بخش‌های مختلف وضو، حلالیت روز جمعه، خمس گنج و غنیمت، پنج نسل در انتقام قبیله‌ای، پنج شتر برای دیه، پنج تکبیر نماز، پنج شاهد مباحله، پنج کلید قرآن مجید در راز عرفان و پنج انگشت دست فاطمه علیها السلام (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ص ۲۵۲).

در برخی جوامع مسلمان، عدد «پنج» و مضارب آن مانند پنج و پانزده یا پنج و پنجاه به عنوان طلسمی برای دفع چشم‌زخم استفاده می‌شود. برای مثال، در میان مسلمانان مراکش، این باور وجود دارد که نیروی جادویی عدد «پنج» انسان را از هرگونه گزند و آسیب محافظت می‌کند. به‌طور کلی، در اسلام، عدد «پنج» نماد بخشش و دست‌گشاده، حواس پنج‌گانه، پنج ستون دین، پنج تن آل‌عبا علیهم السلام و پنج وقت نماز روزانه است. همچنین این عدد به دست فاطمه علیها السلام (نماد محافظت و برکت) نیز تعبیر می‌شود (Houtsma, 1993, p. 897).

بنابراین عدد «پنج» در فرهنگ اسلامی، نه‌تنها نشان‌دهنده مفاهیم دینی و معنوی است، بلکه در باورهای عامیانه و فرهنگی نیز جایگاه مهمی دارد. نمودار (۲) جایگاه عدد «پنج» در باور عامه و فرهنگ اسلامی را نشان می‌دهد.

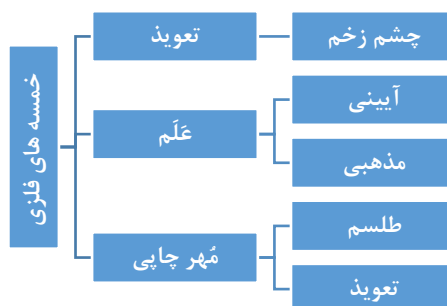
نمودار (۲): نماد عدد پنج در باورها و فرهنگ اسلامی



## ۲. کارکرد خمسه‌های فلزی

خمسه‌های فلزی در عصر صفوی در تعویذهای متعدد، عَلم‌های جنگی و همچنین مُهرهای چاپی کاربرد داشته‌اند. هرچند در دوران بعد، در موارد دیگری (مانند جام‌های چهل‌کلید و مراسم‌های مذهبی) به‌کار رفته‌اند. نمودار (۳) کاربرد این خمسه‌ها در دوره صفوی را نشان می‌دهد و در ادامه، به توصیف و تحلیل نمونه‌هایی از کاربردهای، خمسه‌های فلزی پرداخته خواهد شد.

نمودار (۳): کاربرد خمسه‌های فلزی



## ۳. تعویذ

تأثیرپذیری هنر از نگرش و باورهای اعتقادی در فرهنگ، ارزش‌ها و عقاید یا خرافات بدیهی است. طلسم یا تعویذ معمولاً با قریحه هنرمندان اعصار مختلف، صورتی زمینی و روحی ماورایی می‌یافت. زیبایی و تفاخر به اشیای دارای ارزش - به‌ویژه با خاصیت تعویذی و طلسم‌گونه - علاوه بر اغنای باور در ایمن ماندن از پیشامدهای ناخوشایند و نیروی اقتداربخش، اغناکننده رضایت فطری انسان به حس زیبادوستی نیز بوده است. این موضوع در دوره‌های مختلف، در بسیاری از آثار و اشیا با کاربردهای آیینی، روزمره و بخش رسانه‌های هنری نمود یافته است.

از جمله این موارد، باورهای خرافی، به‌ویژه اعتقاد به انواع طلسم است که معنایی مشترک بین فرهنگ‌های جهانی داشته و دارای تاریخچه‌ای عمیق است. در میان تمدن‌های باستانی، ایران جایگاه ویژه‌ای در حوزه طلسم‌ها و تعویذهای جادویی دارد. کشفیات

باستان‌شناسی از دوره‌های پیشااسلامی تا سده‌های پس از اسلام، گواهی بر تنوع و گستردگی این آثار است. اسلام هرچند سحر و جادو را حرام شمرده، اما برخی علوم غریبه را - که ریشه در آموزه‌های دینی دارند - پذیرفته است.

برای مثال، علم «زَمَل» را به دانیال نبی علیه السلام و علم «جَفَر» را به امیرالمؤمنین علیه السلام منتسب کرده‌اند و امام صادق علیه السلام را در تکامل آن مؤثر دانسته‌اند. دانشمندان بزرگی مانند ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و شیخ بهایی به علوم غریبه آگاهی داشتند و حتی متونی در این باره نگاشته‌اند؛ از جمله بخشی از کتاب کشکول شیخ بهایی به این علوم اختصاص داده شده است.

رسمی شدن مذهب شیعه در قرن دهم هجری در ایران و قدرت گرفتن علمای دینی و باز شدن پای آنها به دربار، تلفیقی بین علوم ماوراءالطبیعی به وجود آورد و به بسیاری از حوادث و پیشامدها و پیامد آنها چاشنی مذهب زده شد و کتاب‌های جامعی که بی‌شبهت به دائرةالمعارف امور زندگی نبود، تدوین شد. در این کتاب‌ها همه کارهای روزمره، از پوشیدن لباس و کفش و نگاه کردن در آینه تا انجام هر نوع معامله و معاشرت، ارزیابی خوبی و بدی، ثواب و گناه آنها تعیین می‌شد و مردم برای هر کاری به این کتاب‌ها مراجعه می‌کردند (تناولی، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

شریعت اسلام تصویر کردن تماثیل انسانی را نهی کرده است. این قانون در عربستان به دقت مراعات می‌شد، لیکن ایرانیان آن را نپذیرفتند و حکام ترک نیز که در دستگاه خود از هنرمندان ایرانی بهره می‌بردند، چندان توجهی بدان نکردند. طلسمات مورد استفاده در آفریقای شمالی به ندرت واجد تصاویر و تماثیل‌اند، بلکه این قبیل اشکال را بیشتر روی اشیایی جادویی (همچون آینه‌ها، جام‌ها، مُهرها و نظایر آنها) ترسیم می‌کنند که یا در ایران ساخته شده یا تولید آنها به سفارش سلاطین و حکام علاقه‌مند به هنر ایرانی انجام گرفته است (موسی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱). آنان گرچه از تماثیل انسانی دوری می‌جستند، اما استفاده نمادین از اعضای بدن (مانند کف دست) به‌عنوان طلسمات در میان آنان مرسوم بوده است.

پنجه از دیرباز به عنوان پرکاربردترین طلسم‌های دفع چشم‌زخم در میان مردمان خاورزمین رواج داشته است. در میان قوم یهود، نماد «خمسه» از رایج‌ترین چشم‌زخم‌ها به‌شمار می‌رود. در گستره جهان اسلام نیز «خمسه» بیش از همه با کارکرد دفع چشم‌زخم شناخته می‌شود. در مقابل چشم بد، پنج انگشت دست راست را باز کرده، می‌گویند: «پنج در چشمانت». در فاس (مراکش) برای رفع چشم‌زخم از کسی یا چیزی می‌گویند: پنج و پانزده، و به این ترتیب عدد «پنج» تبدیل به تعویذ می‌شود (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۵۲).

یکی از متداول‌ترین چیزهایی که در جهان اسلام خواص جادویی بدان نسبت داده می‌شود، تصویر دست آدمی منقوش بر صفحه‌ای فلزی است. این دست‌ها را به صورت جداگانه به عنوان زیورآلات و گردن‌آویز هم مورد استفاده قرار می‌دهند. در آفریقا این علامت کاربرد خاصی در رفع چشم‌زخم دارد. مسلمانان شیعه این پنج انگشت را تمثیلی از پنج تن می‌دانند (موسی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

شیعیان تصویر پنجه را بر کاغذ و پارچه نقش می‌زدند و آن را به‌همراه خویش می‌بردند یا در خانه‌های خود می‌آویختند تا شر و بلا را از خود دور سازند و از گزند چشم‌بدان در امان بمانند. دو درپوش سرامیکی کندوی زنبور در مجموعه ناصر خلیلی دیده می‌شود که هر دو منقوش به طرح خمسه، مشهور به دست حضرت فاطمه علیها السلام هستند (تصویر ۱) که «تقریباً در تمامی نواحی اسلامی به عنوان باطل‌السحر و برطرف‌کننده چشم‌زخم و نیروهای اهریمنی کاربرد داشته است» (مادیسون و ساواژ اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵).

در منابع مکتوب آمده است:

تعاویذ یا طلسم‌هایی شامل لوحه‌های فلزی کوچک به ابعاد سه در چهار اینچ به شکل دست انسان وجود داشته است که بر روی آنها اسامی جادویی با معنایی نامعلوم یا ارقامی در جداول حک شده است (موسی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲).

تصویر (۱): درپوش کندو (مادیسون و ساواژ اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵)



بر در مسجد «صاحب‌الامر» که ساخت آن را به آق‌قویونلوها و بازسازی آن را به دوره قاجار نسبت داده‌اند، تعدادی آرایه فلزی به شکل سر و دست دیده می‌شود. بر روی دست‌ها کتیبه‌هایی نیز نگاشته شده است.

هرچند این دست‌ها ممکن است به نیت شفای درد دست نذرکنندگان ساخته شده باشند، اما نباید از معانی ژرف‌تر آن غافل شد؛ چراکه دست نماد دست بریده حضرت ابوالفضل (ع) نیز هست و شیعیان در مناسبت‌های گوناگون از آن بهره می‌جویند (تناولی، ۱۳۸۵، ص ۷۴).

بر اساس پژوهشی، محتوا و آرایه‌های به‌کاررفته در این تعویذها، دارای دو منشأ دینی شیعی و مضامین علوم غریبه ترویج شده توسط رمالان و دراویش هستند (محمدزاده و رشیدی، ۱۴۰۲، ص ۶۲).

در جدول (۱) نمونه‌هایی از خمسه‌های فلزی که کاربرد تعویذی داشته‌اند، آمده است.

جدول (۱): خمسه‌های فلزی تعویذی در دوره صفوی

شماره	تصویر	جزئیات	شماره
<p>آرایه‌های فلزی نسب شده بر درب مسجد صاحب الامر تبریز، از دوره صفوی و قاجار، از جنس فولاد، برنج و اغلب نقره</p>	 	<p>۱</p>	
<p>در چوبی ورودی داخلی مسجد پوشیده از آرایه‌های تعویذی و دفع چشم‌زخم - در زبان محلی: گوزن‌نظر - است. در بین این آرایه‌ها، افزون بر صورت‌ها، تعدادی کف دست باز (هم دست راست و هم دست چپ) دیده می‌شود. اندازه دست‌ها متغیر بوده و تعدادشان کمتر از صورت‌هاست. بر روی کف دست‌ها عباراتی مانند «یا علی»، «غلام حضرت عباس»، «حضرت عباس دخیلم»، «وقف حضرت عباس علیه‌السلام»، «یا حسین مظلوم آدرکتی» و «و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک باصبارهم لَمَا سَمِعُوا الذکر وَ یقولون اِنَّهٗ لَمَجْنُون» دیده می‌شود.</p>			

<p>دست فلزی تعویذی با سه نگین عقیق قرمز، اندازه ۱۸*۱۵ سانتی‌متر اندازه نگین‌ها ۲*۳/۵ و ،۲*۳/۵ دوره صنوفی، موزه آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام، شماره نگهداری ۰۵۰۹.</p>			<p>۲</p>
<p>دست فلزی (مسی) با چهار انگشت هم‌اندازه و سوراخ‌هایی که در نوک انگشتان دیده می‌شود. انگشت شست کوتاه‌تر است و قوس آن شبیه سر پرند است. احتمالاً این دست بر جایی نصب بوده (جدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷) و نقش تعویذ داشته است. سه نگین عقیق پیازی بر روی آن قرار داده شده است. در نگین بیضوی شکل بالایی نام دوازده امام <small>علیهم‌السلام</small> و بر دو نگین دیگر نام پنج تن آل عبا <small>علیهم‌السلام</small> نگاشته شده است.</p>			

#### ۴. عَلم

از جمله نشانه‌های دیداری در کتب حماسی که در نبردها و گاه مراسم سوگواری به کار می‌رود، «بیرق» است. «عَلم / بیرق» از جمله نشانه‌هایی است که می‌تواند تفکر مذهبی و سیاسی یک عصر را آشکار سازد (عرفان‌منش و طاهری، ۱۴۰۲، ص ۹۰). در منابع آمده است: «ایرانیان در مراسم عاشورا علم‌هایی را حمل می‌کنند که یک دست با انگشتان گشوده بر بالای آن نصب شده است» (موسی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

جیمز آلن در بررسی‌های خود درباره‌ی عَلم‌های فولادی، به توصیفات جهانگرد روسی کوتوف اشاره می‌کند که در سال‌های ۱۶۲۴-۱۶۲۵ از اصفهان دیدن کرده بود. کوتوف به عَلم‌های آهنی اشاره می‌کند که بر فراز میله‌های بلند و انعطاف‌پذیر نصب می‌شدند و هنگام حرکت در میان جمعیت، تاب می‌خوردند (آلن و گیل‌مور، ۲۰۰۰، ص ۲۵۹).

طراحی سه‌شاخه‌ی بلند این عَلم نیز احتمالاً به همین منظور بوده است تا بتواند در حرکات نمایشی تاب بخورد. همچنین باسورث به این نکته اشاره می‌کند که استفاده از نماد خمسه در عَلم‌های دولتی و جنگی، هم نزد صفویان شیعی و هم نزد عثمانیان سنی رایج بود (Boswroth, 1973, p. 203)؛ چنان‌که بر دیوار مقابل قبر شاه اسماعیل صفوی (۹۰۵-۹۳۰ق) در مجموعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی پنجه‌ی بزرگی روی ساروج کار شده است که نشان رسمی شاه اسماعیل بود. در واقع عَلم‌هایی به شکل دست، پیش‌تر در میان شیعیان آسیای مرکزی رواج داشت و بعدها در دوره‌ی عثمانی‌ها و نیز جوامع شیعه‌ی هند محبوبیت یافت. تعدادی از انواع خمسه‌های فلزی در هند و همچنین سرزمین عثمانی هم‌دوره با صفویان به‌عنوان تیغه‌ی علامت یافت شده که از نمونه‌های قرن ۱۵ تا ۱۸م ایرانی پیروی می‌کند (تصویر ۲).

نماد شیعی پنجه‌ی دست در این آثار نمادی از دست فاطمه علیها السلام است که هر یک از پنج انگشت در آن به یکی از اعضای خاندان نبوت اشاره می‌کند. اهل تسنن از دیگر سو این نماد را نماد پنج ستون ایمان می‌دانند (الکساندر، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷).

تصویر (۲): تیغه علامت، ۱۲۰۹ق، ورق نقره مُطلا، شماره ثبت MTW242 (الکساندر، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹)



الا سایکس در سفرنامه خود (۱۸۹۸) به میله‌هایی اشاره می‌کند که در رأس آنها دست‌های فلزی نصب شده بود و به‌عنوان نماد حضرت عباس علیه السلام (پرچمدار نبرد کربلا) شناخته می‌شد. از سوی دیگر، برخی این دست‌ها را صرفاً نشانه‌ای از حفاظت الهی می‌دانند (Allan & Gilmour, 2000, p. 261).

پوپ در اشاره به عَلم‌های این دوره می‌گوید:

در دوره صفوی آثار برنجی و مسین‌کنده‌کاری شده چندان ممتاز نیستند. مضامین تزیینی یکسان گاهی تا آستانه یکنواختی تکرار شده‌اند؛ اما دقت شده است تا نسبت‌های سنجیده و هماهنگی شکل، حفظ شود. صنعتگران آشکارا به کار خود می‌بالیدند و حتی در مورد اشیای خردی مثل سر عَلم پرچم‌های دسته‌ها زحمت زیادی متحمل می‌شدند (پوپ و اکرم، ج ۶، ۱۳۸۷، ص ۲۹۰۸).

پرچم‌ها در مراسم نظامی، درباری و مذهبی مورد استفاده بوده‌اند. بررسی عَلم‌های برجای مانده از ادوار تاریخی، پنجره‌ای به سوی درک زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر عصر می‌گشاید. این پرچم‌ها در بسیاری موارد، فراتر از یک شیء مادی، تجسمی نمادین و تمثیلی از هویت جمعی هستند. بنابراین، چه به‌مثابه نشان خانوادگی و چه به عنوان بازتابی از اندیشه‌های سنتی ریشه‌دار در بستر تاریخی خاص خود، از اهمیت خاصی برخوردارند.

باید اذعان نمود پرچم‌های طراحی شده به شکل کف دست، از عناصر پرکاربرد در آیین‌های مذهبی ایران به‌شمار می‌رفت. این نمادها که با عنوان «حمسا» در زبان عربی (به معنای عدد پنج) و «پنجه» در فارسی (اشاره‌گر هم عدد پنج و هم کف دست) شناخته می‌شد؛ در بین شیعیان هند نیز از اقبال ویژه‌ای برخوردار بود. هرچند نمونه‌هایی از این پرچم‌ها در آثار نقاشی مربوط به اوایل سده هفدهم میلادی به چشم می‌خورد، اما عمده آثار باقی‌مانده متعلق به سده هجدهم است که مزین به کتیبه‌ها و مناجات‌های برگرفته از باورهای شیعی است (Farhad & Bagci, 2009, pp. 124-125).

به‌طورکلی پنجه ابوالفضل علیه السلام یا دست ابوالفضل علیه السلام یک نماد در اسلام و پنجه‌ای فلزی است که بر پرچم‌ها و علامت‌های چند تیغه در عزاداری شیعیان نصب می‌شود. این نماد از فرهنگ‌های دیگر وارد اسلام شده و ابتدا به‌مثابه نمادی از پنج تن آل عبا علیهم السلام در نظر گرفته شده است. این نماد بعدها در فرهنگ شیعیان به‌منزله نمادی از جانبازی و فداکاری حضرت عباس علیه السلام شناخته شده است که در روز عاشورا هنگام رساندن آب به خیمه‌گاه حسین بن علی دست‌های ایشان از بدن جدا شد. در جدول (۲) نمونه‌هایی از خمسه‌های فلزی دوره صفوی که در علم‌های عاشورا مورد استفاده بوده‌اند، آمده است:

جدول (۲): علم‌های عاشورا به‌شکل خمسه‌های فلزی در دوره صفوی

شماره	تصویر	جزئیات	توضیحات
۱			پرچم (علم) با کتیبه‌های نستعلیق، ایران، نیمه اول قرن ۱۸، ۲۴*۵۱ سانتی‌متر، نقره با روکش سیاه‌رنگ، اهدا شده توسط ارل کیتشنر از خارطوم، موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن، شماره نگهداری: M.11-1958 ( <a href="https://collections.vam.ac.uk/item/O67574/standard/">https://collections.vam.ac.uk/item/O67574/standard/</a> ) k

بر روی انگشت کوچک آیه «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» نگاشته شده است و بر انگشتان بعدی دعای «نادعلی» دیده می‌شود: «نَادِعَلِيَا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ / بِحَقِّ عَوْنَا لَكَ فِي النُّوَابِ / كُلُّ هَمٍّ غَمٍّ سَيَبْجَلِي / بِنُبُوتِكَ يَا مُحَمَّدَ بَوْلَايَتِكَ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ». کف دست با سه دایره متحدالمركز از محدوده انگشتان جدا شده است. در کوچک‌ترین دایره، عبارت «یا غَفَّار» چهار مرتبه تکرار شده است. در دومین دایره نام «المصطفی، المرتضی، الفاطمه» نقش بسته و در بزرگ‌ترین دایره، دوازده دایره کوچک‌تر به‌طور متقارن وجود دارد که نام مبارک دوازده امام شیعیان علیهم‌السلام بر آنها حک شده است. بر روی دیگر خمسه (کف دست چپ) چهار دایره با مرکزیت متفاوت و مماس بر انگشت میانی ترسیم شده که دوتای وسطی خالی است و بر کوچک‌ترین دایره «الله، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین» علیهم‌السلام دیده می‌شود. بر بزرگ‌ترین دایره آیه ۲۵۶ سوره بقره (آیه‌الکرسی) حک شده است.

پرچم (عَلَم) با کتیبه‌های نستعلیق ایران، اوایل قرن ۱۸، نقره با روکش سیاه، ۴۸/۹ × ۲۲/۹ سانتی‌متر، هدیه دکتر ماریلین جنکینز، موزه متروپولیتن هنر، نیویورک، شماره نگهداری: ۶-۱۹۸۴:۹۰۴/۳ (Farhad & Bagci, 2009, pp. 124-125).



۲

نقوش و کتیبه‌های دوروی خمسه متفاوت هستند. در سمت راست، کف دست به سه دایره متحدالمركز تقسیم شده است. در دایره کوچک‌تر کلمه «حضرت امام مهدی صاحب‌الزمان صلوات الله» و در دایره دوم بخشی از یک شعر عربی حک شده است: «لی خمسة اطفی بها حر (الجحیم) الحاطمه / المصطفی المرتضی و ابناهما و الفاطمه»<sup>۱</sup> و در بیرونی‌ترین دایره نام دوازده امام علیهم‌السلام در دایره کوچک‌تر به صورت متقارن نگاشته شده است. بر روی دیگر خمسه (کف دست چپ) چهار دایره با مرکزیت متفاوت و مماس بر انگشت میانی ترسیم شده که دوتای وسطی خالی و بر کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین دایره کتیبه‌هایی دیده می‌شود. نام «الله» به همراه نام پنج تن آل‌عبا علیهم‌السلام یعنی «محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین» علیهم‌السلام در دایره کوچک نقش بسته است. در بزرگ‌ترین دایره آیه ۲۵۶ سوره بقره، معروف به «آیه‌الکرسی» دیده می‌شود.

۱. پنج تن دارم که به واسطه آنها آتش جهنم را خاموش می‌کنم: مصطفی، مرتضی و دو فرزندش و فاطمه.

<p>عَلَم مشبک و منقوش به خط محقق، ایران، اواخر قرن ۱۶ یا اوایل قرن ۱۷م، فولاد، ۱۲۷/۶ سانتی‌متر، مجموعه تناولی <a href="https://www.christies.com/en/lot/lot-5550980">https://www.christies.com/ (en/lot/lot-5550980)</a></p>			<p>۳</p>
<p>بر روی انگشت شست درون دایره‌هایی مشبک، نام مبارک «محمد» و بر انگشتان دیگر نام «علی»، «فاطمه»، «حسن» و «حسین»<sup>۱</sup> در میان مشبک‌ها بر زمینه‌ای از پیچک‌های اسلیمی نقش زده شده و بر کف دست در یک قالب قلب‌شکل مشبک و منقوش به اسلیمی، عبارت «یا قَاضِي الْحَاجَاتِ» با حاشیه‌ای طلاکوب دیده می‌شود.</p>			

## ۵. مهر چاپی

در میان انواع خمسه‌های فلزی، مهرهای چاپی به شکل کف دست راست دیده می‌شود.

«مهر» شیئی است ساخته شده از ماده‌ای سخت که نقوشی فرورفته بر روی آن کنده شده‌اند و با فشردن آن بر روی گل یا موم، نقش برجسته‌ای بر روی آن باقی می‌ماند که به آن اثر «مهر» می‌گویند. مهرها در واقع وسیله‌ای برای تضمین مالکیت و اصالت کالاها بودند (محمدی‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۵).

اشکال مهرها بسته به مورد استفاده و همچنین صاحبان آن متفاوت است. مهر پنج‌پر از دیرباز در میان پیروان فیثاغورث، نماد همبستگی جمعی بود و حکمای یونان و روم باستان، آن را مظهر کمال وجودی می‌دانستند. پاراسلسوس<sup>۱</sup> این نشان را از نیرومندترین نمادهای عالم می‌شمرد.

۱. فیلیپوس اورثولوس تتوفراستوس بومباستوس فون هوهنهایم (۱۴۹۳-۱۵۴۱م) یکی از چهره‌های انقلابی و اسرارآمیز تاریخ پزشکی، کیمیاگری و فلسفه طبیعت در عصر نوزایی بود.

این پنجگانه مقدس که در اروپای سده‌های میانه به «پنتاگرام هرمسی» نزد اهل تصوف شهرت یافت، نه فقط نمودار حکمت بود، بلکه وسیله‌ای برای نیل به قدرت ماورایی به‌شمار می‌رفت. اهل طلسمات از اشکال پنج‌پر به‌عنوان ابزاری جادویی بهره می‌بردند تا قوای خویش را فعال سازند.

از برجسته‌ترین این نمادها، «پنج‌پر محبت» بود که به‌عنوان حریمی در برابر ارواح خبیثه عمل می‌نمود. در کتب سحر و طلسمات، پنج‌پر یا پنج‌ضلعی به «حجری جادویی» موسوم است که بر پوست پوست دباغی نشده بز یافت شده یا بر صفحه‌ای از طلای ناب یا نقره خالص نقش می‌بستند.

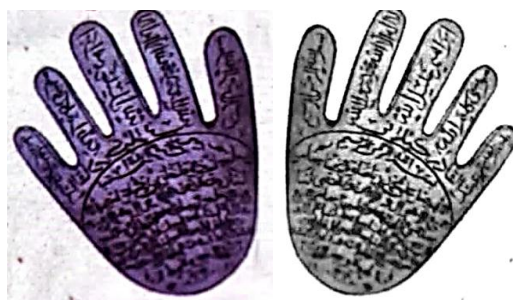
به دلیل دشواری تحریر طلسمات و ادعیه‌ای که لازم بود برای شفا بر قسمت‌هایی از بدن بیمار نوشته شود، طلسمات را به صورت مُهر بر سنگ‌ها و بخصوص بر روی فلزات نقره و برنز از چپ حکاکی می‌کردند و آنگاه آن را به صورت مُهر بر روی محل درد می‌زدند یا پارچه‌ای را با مُهر طلسمی نقش می‌کردند و سپس به محل درد یا زخم می‌بستند (تصویر ۳). این طلسمات به منظوره‌ای دیگری نظیر جلوگیری از چشم زخم، مارگزیدگی و به‌طور کلی، برای جلوگیری از بیماری‌ها و نیز نیک‌بختی مورد استفاده قرار می‌دادند. طلسمات به‌جهت استفاده از گستره عمومی از این شیوه چاپ طلسمات، می‌توان آنها را نوعی صنعت چاپ ابتدایی دانست (جدی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹).

تصویر (۳): مُهر چوبی به‌شکل پنجه دست (تناولی، ۱۳۸۵، ص ۸۴)



در دوره صفوی از مهر زیاد استفاده می‌شد و همه اشخاص، از افراد عادی تا صاحب‌مناصبان و شاهان صفوی مهرهای متعددی داشتند. کاربرد آنها با هم متفاوت بود و هر یک از آنها برای مهر کردن گونه‌ای از فرمان‌ها یا نامه‌ها به کار برده می‌شد. در این دوره و پس از آن، عبارات مذهبی به عنوان نقش مهر، کاربرد عمومی داشت، به گونه‌ای که به‌ویژه در مهرهای رسمی مقامات حکومتی، عمال شهری، نظامیان و علمای دینی متداول بود. این سنت در دوره‌های بعد تنها در میان مهرهای روحانیان و عالمان مذهبی تداوم یافت. همچنین این مهرها و قالب‌های منقوش به اشکال و نوشته‌های مذهبی نشان می‌دهند که رمالان و دعانویسان علاوه بر دست‌نوشته، از صنعت تکثیر هم استفاده می‌کرده‌اند (تصویر ۴).

تصویر (۴): مهر طلسمی به شکل پنجه، متعلق به دوره صفوی (جدی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳)



به احتمال زیاد، در گذشته هم مانند امروز آثار تکثیری و چاپ دستی ارزان‌تر از آثار یکتا<sup>۱</sup> بوده است و کسانی که از عهده پرداخت آثار تک و منحصر بر نمی‌آمدند، به نمونه‌های چاپی قناعت می‌کردند و از آنجاکه اکثریت مشتریان دعانویسان را مردم فقیر و بی‌بضاعت تشکیل می‌داده‌اند، آثار چاپی را که برای آنها جز کاغذ و مرکب خرجی نداشته، به رایگان یا به ارزانی در اختیار چنین افرادی می‌گذاشتند<sup>۲</sup> (تناولی، ۱۳۸۵، ص ۸۴).

در جدول (۳) کاربرد خمسه‌های فلزی به عنوان مهرهای چاپی آمده است:

1. Unique.

۲. علاوه بر ارزانی، معکوس بودن هم دارای خواص ویژه بوده است.

جدول (۳): مُهرهای چاپ به شکل پنجه دست

شماره	تصویر	جزئیات	مشخصات
۱			استامپ (مُهر چاپی)، سال ۱۱۵۴/ ۱۷۴۱-۱۷۴۲م، آلیاژ مس، حکاکی شده، ۳/۹*۶/۶ سانتی‌متر، مجموعه ناصر خلیلی، لندن TLS 2707 (مادیسون و ساواژ اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).
<p>بر روی انگشت شست آیه ۱۳ سوره صف «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» حک شده است. بر روی انگشتان دیگر عبارت شهادتین «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»، «یا مُحَمَّدٌ» و اسماء الحسنی «الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ»، «الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»، «یا حَىُّ یا قَیُّوْمُ» و «یا ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» دیده می‌شود. بر کف دست «لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَفَّارِ»، «یا سُلْطَانَ یا سُبْحَانَ یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ یا دَبَّانُ یا رَحْمَانَ یا رَحِيمُ یا لَطِيفُ قُدُّوسٌ» و آیه ۱۲۹ سوره توبه «عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» حک و تاریخ ۱۱۵۴ بر این مُهر درج شده است.</p>			
۲			موزة توکات، شماره ثبت: ۱/۴۶/۷۵، ابعاد: ۵۸ × ۹۱ × ۲ میلی‌متر، متعلق به ۱۱۲۲ق (۱۷۱۱م)، <a href="https://www.intechopen.com/online-first/1200219">https://www.intechopen.com/online-first/1200219</a>

مُهرِ طلسمی یک‌رویه به‌شکل کفِ دست، نمادی است همسان با دستِ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یا پنجهٔ آلِ عبا علیهم السلام. ساختارِ تشریحی این دست که در نقشِ محافظی مکانی یا تن‌پوش به‌کار می‌رود، چندان استادانه ترسیم نشده و انگشتانش پراکنده‌اند. سطحِ مُهر که حاشیه‌ای محوشده آن را فراگرفته، با خطوطی مستقیم به بخش‌هایی تقسیم شده است. زمینهٔ این مُهر طلسم با گل‌هایی خُرد آراسته گشته و بر بخش‌های گوناگون آن، نوشته‌هایی به خطِ ثلث نقش بسته است: بر روی سَست بخشی از آیهٔ ۱۳ سورهٔ صف «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» به‌همراه تاریخ ۱۱۲۲ق بر روی بقیهٔ انگشتان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ»، دنبالهٔ آیهٔ ۱۳ سورهٔ صف «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ» و نیز «يَا مُحَمَّدُ»، «الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ»، «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ»، «يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» و بر کفِ دست نیز این عبارات نگاشته شده‌اند: «لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفِقَارِ»، «يَا سُلْطَانُ يَا سُبْحَانَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دِيَّانُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيْمُ يَا كَرِيْمُ يَا لَطِيْفُ يَا قُدُّوْسُ»، همچنین بخشی از آیهٔ ۱۲۹ سورهٔ توبه «عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيْبُ» و «يَا سَتَّارُ يَا وَهَّابُ» و در نهایت، آیهٔ ۱۲۹ سورهٔ توبه «وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ».

## ۶. مضامین خمسه‌های فلزی

ارتباط میان هنر و مذهب در دورهٔ صفویه به علت شرایط حاکم به اوج خود رسید و ارزش‌های فرهنگی در ابعاد مادی و معنوی در آثار هنری پدیدار گشت. هنرمندان صفوی از مضامین شیعی، باورهای مردمی و مفاهیم عرفانی در تزیین آثار خود بهره گرفته‌اند. از این‌رو قالب‌ها و نقوش پر رمز و راز در آثار فلزی این دوره تجلی یافته است.

اشیای فلزی در این دوره حاوی پیام‌های تصویری، نوشتاری و رمزگونه‌ای هستند که معانی و مفاهیم متعددی را بازنمایی می‌کند. با آنکه استفاده از متن مقدس قرآن در تعویذ و طلسمات به هیچ وجه با روح تعالیم اسلام سازگار نیست، لیکن عوام مسلمانان آزادانه آیات معینی از قرآن را به عنوان تعویذ به کار می‌برند. شماری از احادیث در باب استفادهٔ صحیح از تعویذ محتوی آیات قرآنی روایت شده است. معتقدان به استفاده از تعویذ می‌توانند انبوهی از اظهار نظرهای مثبت فقهی در این باره را نقل کنند که تعویذ کفر محسوب نمی‌شود. در ایران قرون وسطا و پس از فتح ایران به دست مسلمانان، در سال ۳۱ق/۶۵۱م کامل‌تر گردید و قرآن به‌عنوان منبع اصلی اوراد و افسون‌ها جایگزین متون زرتشتی شد. در قرآن به جادو و افسون اشاره شده است (بقره: ۱۰۲؛ نمل: ۱۷-۱۸؛ سبأ: ۱۲) (موسی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۷۵).

شماری از احادیث در باب استفاده صحیح از تعویذ محتوی آیات قرآنی روایت شده است. معتقدان با استناد احادیث نقل می‌کنند: در صورتی که محتوای تعویذ آیات قرآن و استفاده آن خیر باشد، کفر محسوب نمی‌شود. همین نکته استفاده از طلسم و تعویذ را در جامعه شیعه عصر صفوی توجیه می‌کند. شاردن در سفرنامه خود به رواج استفاده از طلسمات در این دوره اشاره می‌کند:

در ایران من کسی ندیدم که طلسم و تعویذی نداشته باشد و اشخاصی یافت می‌شود که سر تا پایشان طلسم و تعویذ است. فی‌المثل بازوان و گردن (زنان و مردان، کودکان و بزرگسالان) طلسم‌بندی شده و مزین به تعویذات می‌باشد. حتی گردن حیوانات و قفس‌های پرندگان نیز دارای تعویذ و طلسم است. فی‌الجمله، چون موهومات و خرافات بی‌حد و حصر است، در همه جا و در همه چیز از تعویذ و طلسم استفاده می‌شود. عباراتی که در تعویذ و طلسمات نگاشته می‌شود، یا آیات قرآنی است یا احادیث ائمه و انبیا و یا جملات و کلمات معجز و مقفای سحر و جادوگران. فی‌المثل، در مقابل چشم بد، ایرانیان تعویذی به‌کار می‌برند که روی آن، این آیه از قرآن نگاشته شده است: «وإن یکاد...» (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۵، ص ۲۵۶-۲۵۷).

از جمله کتیبه‌های نگاشته شده بر خمسه‌های فلزی، آیاتی از قرآن با مضامین تعویذی است؛ مانند آیه «وإن یکاد» و «ماشاءالله». آیات دیگری مانند آیه‌الکرسی با مضمون عظمت خداوند و «نصر من الله» که به آیه «نصر» شهرت دارد نیز در خمسه‌ها دیده می‌شود. آیه‌الکرسی از عظمت خداوند سخن می‌گوید. یکی از سنت‌های رایج در میان مسلمانان این است که به هنگام ترک منزل، یا در آستانه سفر و موارد مشابه آن، برای مصون ماندن جان و مال خود از خطرات احتمالی، آیه‌الکرسی می‌خوانند و از خدا می‌خواهند که آنان را از حوادث بد محفوظ بدارد (رازی، ۱۴۰۲ق، ص ۷).

چون هنر ایرانی بر مبنای تزیینات استوار شده، کتیبه‌نویسی بر روی اشیای فلزی یکی از ارکان تزیینات به‌شمار می‌رود. کتیبه‌ها یکی از مهم‌ترین اجزای ثبت تاریخی بر روی آثار فلزی در کنار نسخه‌های خطی بوده‌اند (افروغ و نوروزی طلب، ۱۳۸۹، ص ۸۹).

از رایج‌ترین تعاویذ، کیسه حاوی ۹۹ اسم باری تعالی (اسماء الحسنی) است که در آیه ۱۷۹ سوره اعراف به آن اشاره شده و همچنین در احادیث از آن یاد شده است (موسی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۹۴). از این اسامی در طلسمات و تعاویذ بسیار استفاده می‌شود. این عقیده وجود دارد که اگر کسی از اسرار حروف و رمز اسما آگاه باشد می‌تواند بیماری‌ها را مداوا کند و یا از وقوع حوادث مطلع باشد. بنابراین از مهم‌ترین بخش‌های علوم غریبه اسماء حسناست. این نام‌ها که متعلق به ذات خداوند هستند، هر کدام قدرت متفاوتی دارند.

مفسران فهرستی از اسامی که - در واقع - صفات خداوند هستند، به دست داده‌اند؛ همانند «عظیم، رحمان، علیم، حکیم، لطیف، رحیم، ظاهر و...». همچنین عباراتی همچون «یا رحمان، یا دیان، یا برهان، یا قاضی الحاجات و...» که نام‌های خداوند هستند (واحد دهکردی، ۱۴۰۳، ص ۶۰) در خمسه‌های فلزی به کار رفته‌اند.

در فلزکاری صفویه تمسک به درگاه خدا، فرستادن رحمت بر اسماء دوازده امام علیهم‌السلام یا در بسیاری موارد چهارده معصوم علیهم‌السلام و دعای «ناد علی» و در مواردی اشعاری در ستایش حضرت علی علیه‌السلام به شدت افراطی صورت می‌گرفت (سیوری، ۱۳۷۲، ص ۱۳). در دوره مد نظر، هنرمندان فلزکار با تزئین جام‌های فلزی و نقش کردن نام‌های مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام، به ترویج فرهنگ شیعی همت گماردند. آنها گاه برای بیان ارادت و توسل، نام ائمه اطهار علیهم‌السلام را حتی جایگزین نام‌های الهی کرده‌اند.

بر روی خمسه‌های فلزی، نام‌های پنج تن آل‌عبا (پیامبر اکرم، حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام) بیش از همه به چشم می‌خورد، در حالی که در برخی نمونه‌ها، نام تمام دوازده امام علیهم‌السلام با تأکید بر نام امام مهدی علیه‌السلام یا چهارده معصوم علیهم‌السلام نیز حکاکی شده است. بر روی نمونه‌های متأخر، نام حضرت عباس علیه‌السلام نیز در کنار نام مبارک امام حسین علیه‌السلام دیده می‌شود.

شاردن در ادامه استفاده از طلسم و تعویذ، به این نکته اشاره نموده است:

علاوه بر طلسمات مذکور و سحر و جادوهای مزبور، ایرانیان را یک رشته سحر و طلسم ساده‌تر است که آنها را «دعا» گویند که مفهوم ادعیه و اذکار را می‌رساند. اینها عبارت از آیه یا آیاتی از سوره قرآن است که مشتمل بر اسم

اعظم (یعنی نام‌های بزرگ خداوند) می‌باشد و یا اینکه متضمن اعلام توصیف‌ناپذیری هستند؛ زیرا به عقیده ایشان، این اعلام قادر بر همه چیز است و معجزات به وسیله معرفت همین اعلام امکان‌پذیر می‌گردد، به طوری که هنگامی که مشیت الهی بر نبوت فردی تعلق بگیرد که قادر به انجام معجزات باشد، خداوند او را فقط به اسم اعظم خود معرفت می‌بخشد و پیغمبر نیز برای اعجاز و اظهار قدرت نبوت، فقط به قرائت اسم اعظمی اکتفا خواهد کرد (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۲۶۰).

سیوری هم به این موضوع اذعان داشته است:

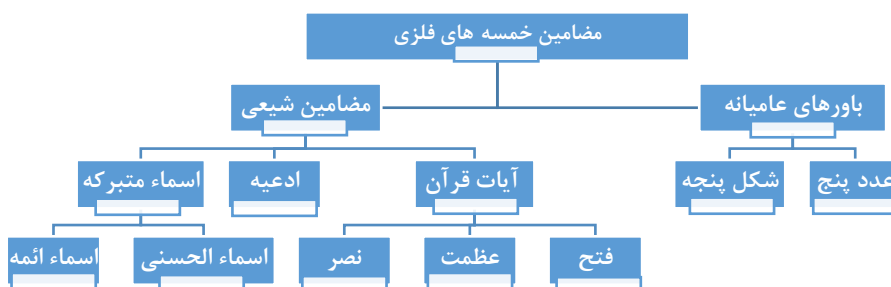
جهت‌گیری انقلابی در فلزکاری صفویه که اس‌ملکیان شیروانی موفق به کشف آن شد، عبارت بود از: به‌کارگیری نوشته‌هایی با ماهیت شیعی. با ظهور قدرت صفویه، نوشته‌هایی با محتوای مبارزه‌جویانه شیعی بر روی کارهای فلزی پیدا شد که برای آن سابقه‌ای نمی‌بینم. اینها بر سه مقوله بودند: مناجات به درگاه خدا برای فرستادن رحمت بر اسماء دوازده امام [ع] یا در بیشتر موارد چهارده معصوم [ع]؛ ادعیه در ذکر [حضرت] علی [ع]؛ و در موارد کمتر، اشعاری در ستایش [حضرت] علی [ع] که گاه لحنی شدیداً افراطی داشت (سیوری ۱۳۷۲، ص ۱۴۸).

بر خمسه‌های فلزی دوره صفوی دعای «ناد علی» و عبارت «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» نیز به‌واسطه ارادت ایرانیان به حضرت علی [ع] و تأکید بر مذهب شیعه مشهود است. علاوه بر آثار فلزی، بر کاربرد این مضامین در سکه‌ها و مهرهای صفوی نیز تأکید شده است:

از ویژگی‌های مهرهای صفوی، بجز درج تاریخ، شکل و جنس، مضمون شیعی آنهاست که سجعی متضمن نام امامان [ع] یا تأکید بر امامت حضرت علی [ع] دارند که این مشخصه مهم‌ترین ویژگی سکه‌ها و مهرهای صفوی به‌شمار می‌آید. گاه بر روی این مهرها بجز نام یا صلوات بر پیامبر و ائمه [ع] ابیاتی نقش شده که مؤید تعلق خاطر پادشاهان صفوی به امامان [ع] و مذهب تشیع است (جدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶).

نمودار (۴) مضامین خمسه‌های فلزی در دوره صفوی را نشان می‌دهد:

نمودار (۴): مضامین خمسه‌های فلزی در دوره صفوی



### نتیجه‌گیری

خمسه‌های فلزی دوره صفوی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار هنری این عصر، تبلور کاملی از پیوند ناگسستنی میان هنر، مذهب و فرهنگ در ایران عهد صفوی محسوب می‌شوند. این آثار از جنبه ساختاری، با بهره‌گیری از فلزات گرانبهایی همچون طلا، نقره و برنج و با استفاده از فنون پیشرفته‌ای مانند قلمزنی و مشبک‌کاری، نه تنها گواهی بر مهارت بی‌نظیر صنعتگران و هنرمندان این دوره هستند، بلکه از طریق قالب پنجه و نماد عدد «پنج» و نیز با به‌کارگیری تزیینات هندسی، خوش‌نویسی‌های قرآنی و اسامی ائمه اطهار علیهم‌السلام با خطوط ثلث و نستعلیق، به بیان نمادین مفاهیم عمیق مذهبی و فرهنگی می‌پرداختند.

از منظر کارکردی، این اشیا نقش‌های چندگانه‌ای در جامعه صفوی ایفا می‌کردند؛ هم به عنوان ابزارهایی در مراسم مذهبی (مانند عزاداری‌های محرم و زیارت) مورد استفاده قرار می‌گرفتند، هم به‌مثابه مهرهای چاپی و هم در زندگی روزمره مردم به‌عنوان جواهرات یا حتی طلسم‌های محافظتی کاربرد داشتند که این نشان‌دهنده تلفیق باورهای عامیانه با اعتقادات رسمی مذهبی بود.

در بعد مضمونی، خمسه‌های فلزی صفوی آینه تمام‌نمای گفتمان‌های مسلط فرهنگی و مذهبی این دوره به‌شمار می‌رفتند. از یک سو، با نمایش نمادهای شیعی مانند دعای «ناد علی» در کنار نام پنج تن آل عبا<sup>علیهم‌السلام</sup> و دوازده امام<sup>علیهم‌السلام</sup> به تثبیت و تبلیغ مذهب رسمی تشیع دوازده‌امامی<sup>علیهم‌السلام</sup> کمک می‌کردند و از سوی دیگر، با استفاده از آیات و ادعیه و اسماء الحسنی تداوم و پیوستگی فرهنگ ایرانی را در بستر اسلامی به نمایش می‌گذاشتند. این تلفیق هنرمندانه میان عناصر ایرانی، اسلامی و شیعی، خمسه‌ها را به رسانه‌ای قدرتمند برای بیان هویت فرهنگی دوره صفوی تبدیل کرده است.

این آثار به‌وضوح نشان می‌دهند که چگونه مذهب، سیاست و فرهنگ می‌توانند در قالب هنر تجسم یابند و چگونه هنر می‌تواند به ابزاری برای انتقال ایدئولوژی و بازتولید هویت جمعی تبدیل شود. در نهایت، این آثار نه تنها نشان‌دهنده مهارت صنعتگران آن دوران است، بلکه گواهی بر نفوذ عمیق معارف شیعی در هنر و فرهنگ ایرانی - اسلامی به‌شمار می‌آید.

## منابع

۱. افروغ، محمد و نوروزی طلب، علیرضا (۱۳۸۹). هویت اسلامی - ایرانی در فلزکاری عصر صفوی با تأکید بر کتیبه‌های موجود بر آثار فلزی. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۱(۴)، ص ۷۳-۱۰۰.
۲. الکساندر، دیوید (۱۳۸۷). ابزارآلات جنگ (مجموعه هنر اسلامی). گردآوری ناصر خلیلی. ترجمه غلامحسین علی مازندرانی. تهران: کارنگ.
۳. الله‌بخشیان، زهرا (۱۳۹۲). نمادشناسی نقش دست در طلسمات ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان.
۴. بلوکباشی، علی (۱۳۸۰). نخل گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۵. پوپ، آرتور و آکرمن، فیلیس (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران (از هنر پیش از تاریخ تا امروز). زیر نظر سیروس پرهام. تهران: علمی و فرهنگی.
۶. تناولی، پرویز (۱۳۸۵). طلسم؛ گرافیک سنتی ایران. تهران: نشر بن‌گاه.
۷. جدی، محمد جواد (۱۳۸۷). مَهر و حکاکی در ایران. تهران: فرهنگستان هنر.
۸. جدی، محمد جواد (۱۳۸۹). مَهرها و نگین‌ها در مجموعه موزه آستانه حضرت معصومه (س). تهران: زرین و سیمین.
۹. جعفری دهکردی، سیدسجاد و اکبری، محمد (۱۴۰۱). نشانه‌شناسی نمادهای مذهبی در فلزکاری دوره صفوی با تأکید بر نقوش هندسی و خیالی. فصلنامه شیعه‌شناسی. ۲۱(۸۲)، ۶۳-۱۰۰.
۱۰. رازی، فخرالدین (۱۴۰۲ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. ساریخانی، مجید (۱۳۹۲). پژوهش تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری در دوران صفوی و قاجار با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران. ۳(۵)، ۱۵۵-۱۶۸.
۱۲. سیوری، راجر (۱۳۷۲). ایران عصر صفویه. ترجمه کامبیز عزیزی. چ چهارم. تهران: نشر مرکز.
۱۳. شاردن، ژان (۱۳۳۶). سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
۱۴. شریعت‌زاده، علی اصغر (۱۳۷۱). فرهنگ مردم شاهرود. ناشر: مؤلف.
۱۵. شوالیه، ژان و گبران، آلن (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها. ترجمه و تحقیق سودابه فضانلی. تهران: جیحون.
۱۶. عرفان‌منش، ساحل و طاهری، علیرضا (۱۴۰۲). تحلیل نقش دست در بیرق و علم در نگاره‌های شاهنامه داوری با رویکرد آیکونولوژی. رهپویه هنرهای تجسمی، ۶(۲)، ۸۹-۹۸.
۱۷. عزیزی‌پور، طاهره (۱۳۹۳). بازتاب عقاید شیعی در هنر فلزکاری ایران. نشریه باستان‌شناسی ایران، ۴(۱)، ۱۳۱-۱۴۴.

۱۸. قاسمی اندرود، پرستو (۱۳۹۳). پنجه‌نگاره‌های وقفی زنجان. مجله وقف: میراث جاویدان، ۲۲(۸۷)، ۹۱-۱۰۴.
۱۹. مادیسون، فرانسیس و ساواژ اسمیت، امیلی (۱۳۸۷). مجموعه هنر اسلامی. ج ۱۱. ابزارآلات علمی. گردآوری ناصر خلیلی. ترجمه غلام‌حسین علی‌مازندرانی. گردآوری ناصر خلیلی. تهران: کارنگ.
۲۰. محمدزاده، مهدی و رشیدی، ریحانه (۱۴۰۲). خوانش جامعه‌شناختی آرایه‌های فلزی درب مسجد صاحب‌الامر تبریز. نگره، ۶۶، ۴۹-۶۳.
۲۱. محمدی زاده، صدیقه (۱۳۹۶). بررسی مهرهای سنگی صفوی و تأثیر آن بر تراش و حکاکی سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه صنایع دستی. دانشکده هنرهای کاربردی. تهران: دانشگاه هنر.
۲۲. موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۷). دوازده + یک: سیزده پژوهش درباره طلسم تعویذ و جادو. تهران: کتاب مرجع.
۲۳. واحد دهکردی، فرزانه (۱۴۰۳). واکاوی مضامین تعویذ جام چهل‌کلید در دوره صفوی. بنیان حکمی - فلسفی هنر ایرانی، ۳(۱)، ۴۷-۶۲.

- 1.(2013). *Standard*. [Location not specified]. Retrieved from <https://collections.vam.ac.uk/item/O67574/standard>
- 2.(2023). *Title of Article*. [Location not specified]. IntechOpen. Retrieved from <https://www.intechopen.com/online-first/1200219> (Note: The original entry lacked a clear title for the article and publication year. Please provide the specific article title and publication year/location if available.)
- 3.(n.d.). *Lot 5550980*. London, UK: Christie's. Retrieved from <https://www.christies.com/en/lot/lot-5550980>
- 4.Allan, J. W., & Gilmour, L. (Eds.). (2012). *Metalwork and material culture in the Islamic world: Art, craft and text*. London, UK: I.B. Tauris.
- 5.Bosworth, C. E. (1973). *The Islamic Dynasties: Their Rise and Fall*. Beirut, Lebanon: Librairie Du Liban. (Note: Assuming this is the work intended. If "Their Empire in Afghanistan and Eastern Iran" is the correct title, please provide the publication location for that specific work.)
- 6.Doutté, E. (1909). *Magie et religion dans l'Afrique du Nord*. Algiers, Algeria: A. Jourdan.
- 7.Farhad, M., & Bagci, S. (2009). *Falnama: The Book of Omen*. Washington D.C., USA: The Arthur M. Sackler and Freer Gallery of Art, Smithsonian Institution.
- 8.Golan, A. (2003). *Perhistoric religion: Mythology symbolism*. Jerusalem, Israel: A. Golan.
- 9.Houtsma, M. Th. (1993). *First Encyclopaedia of Islam: 1913-1936*. Leiden, Netherlands: BRILL.
- 10.Ponce, C. (1973). *Kabbalah*. San Francisco, CA, USA: Judaica.
- 11.Schimmel, A. (1993). *The mystery of numbers*. New York, NY, USA: Oxford University Press.
- 12.Westermarck, E. (1933). *Pagan survivals in Mohammedan civilization*. New York, NY, USA: AMS Press.